



دلارا ، دختری که در زندان رنگ ها را گم کرد...



نابلوئی که در وسط عکس بالا دیده میشود یکی از نقاشی های دلارا دارابی ، از قربانیان حاکمیت سیستم سرمایه داری و رژیم جمهوری اسلامی در ایران است. سیستم ظالمانه و رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی زندگی او را به کجراه برد و این گل تازه رسته را به همراه استعدادهایش پر پر نمود.

در ۱۱ اردیبهشت امسال ، همزمان با روز جهانی کارگر ، در همان لحظاتی که کارگران ایران میرفتند تا در مصاف با نظام ظالمانه سرمایه داری ، همبستگی خود را با دیگر کارگران جهان به نمایش بگذارند ، رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ، دلارا دارابی را در سن ۲۳ سالگی به کام مرگ فرستاد تا بار دیگر چهره منحوس خود را به جهانیان نشان دهد.

دلارا دختری که در سن ۱۷ سالگی به جرم "قتل" دستگیر و محاکمه شده بود پس از تحمل ۶ سال حبس در زندان رشت در سن ۲۳ سالگی در سحرگاه جمعه ۱۱ اردیبهشت به دست دژخیمان جمهوری اسلامی به دار آویخته شد. این حکم در ۱۷ سالگی او در شعبه ۱۰۷ دادگاه ویژه اطفال رشت صادر و توسط شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور تأیید شده بود. در پی اعلام این حکم تلاش های بسیاری برای لغو اعدام او صورت می گیرد اما

متاسفانه این تلاش ها راه به جایی نبرده و سرانجام حکم اعدام دلارا بدون اطلاع وکیل و خانواده ی وی به اجرا در آمد.

دلارا دارابی هنگام وقوع قتل ، ۱۷ سال داشت و دانش آموز پیش دانشگاهی بود. او در آغاز این واقعه به اتفاق پدرش ، خود را به پلیس معرفی کرده و اتهام قتل را در دادگاه نخست می پذیرد ، ولی دو هفته بعد جرم خویش را انکار میکند ، اما این انکار از سوی دادگاه پذیرفته نمی شود و دلارا به اعدام محکوم می گردد. دلارا در توجیه پذیرفتن اتهام قتل در دادگاه اولیه اعلام می کند که به دلیل اینکه دوست پسرش در آن هنگام ۲۰ سال داشته و با توجه به این که خود وی در آن زمان زیر سن قانونی بوده است و با یقین به این که دادگاه بر اساس حقوق کودک نمی تواند برای او حکم اعدام صادر کند ، قتل دختر عموی پدر خود را به درخواست دوست پسرش به گردن گرفته تا وی را از محکومیت به اعدام ، رهایی داده باشد ، با این خیال که خود نیز بعدا آزاد می شود. دوست او نیز که تا آن هنگام در برابر حکم دلارا سکوت کرده بود به جرم مشارکت در قتل ، به ۱۰ سال زندان محکوم شد.

وکیل دلارا ، بر اساس این که دلارا چپ دست بود و نمی توانسته به آن شکلی که نشان داده میشود به بدن مقتول ضربه وارد کند ، انکار ناپذیر بودن بی گناهی دلارا را اعلام کرده بود. همچنین او بارها تاکید کرده بود که متهم فاقد چنین قدرت بدنی است. علاوه بر این ، مدافعان دلارا اظهار کرده بودند که در پرونده دلارا نکات مبهم فراوانی وجود دارد و حتی چاقویی که مقتول با آن کشته شده ، انگشت نگاری نشده بود. با این وجود متاسفانه حکم اعدام دلارا طبق قانون قصاص صادر و اجرا شد.

مطابق قوانین جزایی ارتجاعی و شدیداً غیر انسانی جمهوری اسلامی ، قصاص - یک حق شخصی است و خانواده قربانی مختار است که بین اجرا و عدم اجرای حکم صادره دست به انتخاب زده و یکی را برگزیند. طبق چنین قوانینی رژیم ایران با قتل جوانان ، آن هم به اشکال بسیار فجیع و وحشیانه ، به این گونه شیوه های انتقام گیری مشروعیت می بخشد.

ایران در واقع یکی از امضاء کنندگان میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی است. براساس مفاد این میثاق ، اعدام نوجوانان ممنوع است. با این وجود ایران یکی از پنج کشوری است که در آن برای مجرمان زیر ۱۸ سال حکم اعدام صادر شده و اجرا می شود. می بینیم که امضاء کردن چنین مفادی در رژیم جمهوری اسلامی هرگز به مفهوم اجرا و پابندی به آن مفاد نیست.

اتحاد زنان آزادیخواه ضمن محکوم کردن موج اعدام های اخیر و از جمله اعدام دلارا دارابی ، تاکید می کند که باعث و بانی اصلی فضای خشونت بار کنونی در جامعه و همه نا بسامانی های اجتماعی و شرایط ظالمانه اقتصادی حاکم بر جامعه ما در اساس وجود سیستم سرمایه داری است که این رژیم مدافع و حامی آن است.

درست به خاطر سلطه ننگین رژیم جمهوری اسلامی و وجود سیستم سرمایه داری است که ما هر روزه با جلوه ای از پیامدهای این سیستم که وقوع قتل و سپس اعدام قاتل و یا اعدام نوجوانان زیر ۱۸ سال از جمله آن هاست ، مواجه میشویم. جمهوری اسلامی تنها به منظور کنترل جامعه در خدمت حفظ سیستم سرمایه داری حاکم و دفاع از منافع سرمایه داران زالو صفت به اعمال خشونت باری که قتل دلارا یکی از نمونه های آن است دست می زند. دیکتاتوری حاکم با اعدام دلارا ، آن هم در شرایط اعتراض وسیع افکار عمومی نسبت به این

تصمیم رژیم ، نشان داد که خواست افکار عمومی در مقابل اراده ضد خلقی آن فاقد ارزش می باشد. چرا که اساسا توسل به زور و قهر (حتی در برخورد به بزهکاری ها و بیماری های اجتماعی) و تلاش برای حل معضلات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی نظیر فقر و گرسنگی و بیکاری و بی حقوقی با حربه زندان ، بازداشت و چوبه های دار، همگی مشخصه های این رژیم ددمنش هستند. بیهوده نیست که جمهوری اسلامی در میان تمام کشورهای جهان در میزان اعدام همیشه مقام بالایی را احراز کرده است. در واقع جمهوری اسلامی رژیمی ست که تداوم و بقای حاکمیتش در اعمال سرکوب ، زندان ، شکنجه و اعدام می باشد. همه این واقعیات بیانگر آن است که بدون نابودی نظام سرمایه داری و رژیم حامی آن در ایران ، اعدام ها پایانی به خود نخواهند دید ، و این واقعیات بار دیگر ضرورت مبارزه برای سرنگونی انقلابی این رژیم را هر چه بیشتر عیان تر می سازند.

اتحاد زنان آزادیخواه

۵ مه ۲۰۰۹

etehadezan@yahoo.com